

## وزن‌های دوری چندپاره

امید طبیب‌زاده<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۷

### چکیده

عروض‌دانان به تفصیل دربارهٔ وزن‌های دوری در اشعار شاعران قدیم فارسی بحث کرده‌اند، اما در سروده‌های شاعران جدید، مخصوصاً در آثار ترانه‌سرایان و نوحه‌پردازان، به اشعاری برمی‌خوریم که تمامی ویژگی‌های وزن‌های دوری را دارند جز اینکه هر مصراع آنها نه از دو نیم‌مصراع، بلکه از بیش از دو پاره‌مصراع تشکیل شده‌است. این قبیل وزن‌ها را وزن‌های دوری چندپاره نامیدیم و آنها را به دو دستهٔ وزن‌های مساوی و وزن‌های نامساوی تقسیم کرده‌ایم. مصراع‌ها در این هر دو گونه وزن، بیش از دو پارهٔ وزنی است، اما این پاره‌ها در وزن‌های دوری مساوی، عیناً همانند هستند، درحالی‌که در وزن‌های نامساوی تغییراتی جزئی با هم دارند. در این مقاله تمام این قبیل وزن‌ها را از پیکرهٔ مفصل پناهی (۱۳۹۵-۱۳۹۹) استخراج کرده‌ایم و سپس ویژگی‌های آنها را شرح داده‌ایم.

واژگان کلیدی: وزن‌های دوری؛ وزن‌های دوری چندپاره؛ وزن‌های دوری با پاره‌های مساوی؛ وزن‌های دوری با پاره‌های نامساوی

## ۱- مقدمه

در این مقاله، ابتدا براساس آرای ابوالحسن نجفی (۱۳۹۳؛ ۱۳۹۵؛ ۱۳۹۷) تعریفی از وزن دوری در شعر فارسی به دست می‌دهیم، سپس براساس پیکره پنج جلدی غلامرضا پناهی (۱۳۹۵-۱۳۹۹) نشان می‌دهیم که در شعر فارسی و خاصه در سروده‌های برخی شاعران و ترانه‌سرایان و نوحه‌پردازان متأخر، وزن‌هایی وجود دارد که بنابر معیارهای نجفی دوری هستند اما بیشتر از دو پاره تشکیل شده‌اند. براساس شواهد متعدد که تماماً برگرفته از پیکره پناهی است این وزن‌ها را دوری چندپاره می‌نامیم و آنها را به دو دسته مساوی و نامساوی تقسیم می‌کنیم.

## ۲- وزن دوری

طبق تعریف نجفی، وزن دوری به وزنی اطلاق می‌شود که دارای مشخصات زیر باشد: اول اینکه هر مصراع آن مرکب از دو نیم‌مصراع (half line) یا دو پاره هم‌وزن و مستقل باشد، و این استقلال و شباهت به حدی باشد که بتوان جای دو پاره را با هم عوض کرد بی‌آنکه در وزن شعر خللی پدید آید. درواقع استقلال هر پاره در مصراع‌های وزن دوری، از حیث وزنی و حتی نحوی، به حدی است که هر پاره را می‌توان مصراع مستقلی دانست. مثلاً مصراع زیر از حافظ با انگاره وزن دوری «مستفعلن فع // مستفعلن فع» از دو پاره تشکیل شده‌است و ما بدون بروز هیچ اشکالی در وزن، می‌توانیم جای آن دو پاره را با هم عوض کنیم (دو خط کج //) مبین مرز پاره‌ها در وزن دوری است:

درمان نکردند // مسکین غریبان ← مسکین غریبان // درمان نکردند

دوم اینکه در وزن دوری گاه در وسط مصراع، یک کمیت کوتاه اضافی ظاهر می‌شود که عروض سنتی از توجیه آن عاجز است. مثلاً در وزن همین بیت از حافظ، یک کمیت کوتاه اضافی در میان مصراع دوم آمده است که تناظری در مصراع نخست ندارد:

چندان که گفتم // غم با طیبیان

درمان نکردند // مسکین غریبان

در توجیه این پدیده باید گفت که چون هر نیم‌مصراع یا پاره وزن دوری خود در حکم مصراع کاملی است، قواعد ناظر بر پایان مصراع، بر پایان پاره هم عمل می‌کند، و در نتیجه کمیت هر شش هجا در پایان پاره خنثی می‌شود و همه معادل یک هجای بلند محسوب می‌شوند. در این حالت هجای کشیده «دند» در مصراع دوم بیت فوق، چون در پایان پاره واقع شده‌است، دارای کمیت بلند خواهد بود و در نتیجه وزن هر دو مصراع بیت فوق عیناً همانند

خواهد شد. خلاصه اینکه در پایان هر پاره وزن دوری، کمیت هر شش هجا مساوی و معادل یک هجای بلند (-) به حساب می‌آید.

سوم اینکه هر پاره در وزن دوری لزوماً منطبق بر پایان کلمه است؛ یعنی در وزن دوری امکان ندارد که نیمی از کلمه در پایان پاره اول، و نیم دیگر آن در آغاز پاره بعد باشد. مثلاً بیت زیر از سعدی (با انگاره وزنی «فَعَلَاتُ فَاعَلَاتِن فَعَلَاتُ فَاعَلَاتِن») به وزن دوری نیست، زیرا وقتی مصراع دوم آن را به دو پاره تقسیم کردیم، می‌بینیم که بخشی از واژه «کرد» در پاره نخست و بخش دیگر آن در پاره دوم واقع می‌شود:

سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی

چه خیال‌ها گذر کرد / و گذر نکرد خوابی

یعنی در وزن دوری همه مصراع‌های یک قطعه شعر باید چه در وزن و چه در کلام، قابل تقسیم به دو پاره یا دو نیمه متشابه باشند و هرگاه حتی یک بیت آن قطعه فاقد این ویژگی باشد آن قطعه را نباید بر وزن دوری شمرد.

مشخصه چهارم که البته خیلی هم قطعیت ندارد، این است که آخرین رکن هر پاره وزن دوری غالباً ناقص (یا اصطلاحاً مُزاحف) است. مثلاً بیت زیر از حافظ به وزن دوری نیست، چون از چهار رکن کامل «مفتعلن مفتعلن مفتعلن» تشکیل شده است:

سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند

همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند

این مصراع در صورتی دوری می‌بود که رکن دوم آن به جای «مفاعِلن» رکن ناقصی می‌بود، مثلاً «مفاعِل»، یا «مفا» یا «مف». اما بیت زیر از سعدی (با انگاره وزنی «مفتعلن مفتعل // مفتعلن مفتعل») قطعاً دوری است، زیرا علاوه بر اینکه تمام سه شرط فوق را دارد، رکن آخر هر پاره‌اش نیز ناقص (مُفْتَعَل) است<sup>(۱)</sup>:

سلسله موی دوست // حلقه دام بلاست

هر که در این حلقه نیست // فارغ از این ماجراست

باید توجه داشت که تشخیص وزن دوری در یک تک‌بیت، گاه میسر نیست و برای تعیین دوری بودن یا نبودن وزن آن بیت، باید به کل شعر رجوع کرد. مثلاً تنها با مشاهده تک‌بیت زیر، مطلع غزلی از منوچهری، نمی‌توانیم به قطعیت بگوییم که وزن آن دوری هست یا خیر:

الا وقت صبح است نه گرم است و نه سرد است

نه ابر است و نه خورشید نه باد است و نه گرد است

زیرا اگر این بیت را به شکل «مفاعیلُ مفاعیلُ // مفاعیلُ مفاعیلُ» تقطیع کنیم، وزن آن دوری خواهد بود، اما اگر آن را به شکل «مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ» تقطیع کنیم، وزن آن دیگر دوری نخواهد بود. برای تعیین دوری بودن یا نبودن چنین بیتی لازم است به دیگر ابیات شعر رجوع کنیم تا انگاره وزنی دقیق آن را مشخص سازیم. با رجوع به این غزل به بیتی چون بیت زیر برمی‌خوریم:

از آن باده که زرد است و نزار است و ولیکن  
نه از عشق نزار است و نه از محنت زرد است

وقوع «واو عطف» در میان هر مصراع به خوبی نشان می‌دهد که تقطیع صحیح این شعر «مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ» است، و لذا وزن این بیت دوری محسوب نمی‌شود. آنچه نجفی درباره وزن دوری آورده است، البته صحیح است اما مطلقاً کامل نیست. در شعر فارسی و خاصه در سروده‌های برخی شاعران و ترانه‌سرایان و نوحه‌پردازان متأخر، وزن‌هایی وجود دارد که بنابر معیارهای بالا دوری هستند اما بیشتر از دو پاره تشکیل شده‌اند. تا کنون جز بعضی اشارات پراکنده به این قبیل وزن‌ها (نک. پرهیزی ۱۳۸۰؛ قهرمانی مقبل ۱۳۹۹)، هیچ تحقیق مستقلی درباره این موضوع انجام نشده است، و به همین دلیل در این مختصر می‌کوشیم تا این وزن‌ها را بررسی و انواع آنها را معرفی کنیم. این وزن‌ها را دوری چندپاره می‌نامیم و آنها را به دو دسته مساوی و نامساوی تقسیم می‌کنیم. در اینجا هر یک از این انواع را با ذکر چند شاهد توضیح می‌دهیم.

### ۳- وزن‌های دوری چندپاره مساوی

هر مصراع در شعر زیر مرکب از سه پاره مساوی به وزن «فاعلن فاعلن فا» است:

خواستم بار دیگر // در زمستان عمرم // آتشی بفرورزم  
غافل از آنکه باید // شمع صد آرزو را // پای تا سر بسوزم  
تا نرنجد دل او // عقده را خون بنوشم // شکوه را لب بدوزم  
وای کان صبح روشن // از دوصد شام تاریک // تیره‌تر کرد روزم  
(عماد خراسانی، در پناهی، ج ۵: ۱۵۹)

توجه شود که پاره‌ها در شعر فوق مطلقاً نیم‌مصراع نیستند بلکه آنها را اصطلاحاً پاره‌مصراع (hemistich) می‌نامیم. در این مقاله گاه از لفظ عمومی «پاره» در هر دو معنای «نیم‌مصراع»

و «پاره‌مصراع» بهره برده‌ایم که البته خواننده خود در هر مورد از فحوای کلام درمی‌یابد که منظورمان کدام یک از دو مفهوم فوق است. در هر حال تمام مشخصاتی که برای وزن دوری برشمردیم در مورد این شعر نیز صادق است، جز اینکه اشعار دوری از دو نیم‌مصراع مساوی تشکیل می‌شوند، اما این شعر از سه پاره‌مصراع مساوی تشکیل شده‌است. مثلاً هرپاره شعر فوق حکم مصراع مستقلی دارد به حدی که می‌توان به‌سادگی جای پاره‌مصراع‌های هر مصراع را جابه‌جا کرد، بی آنکه خللی در وزن آن پدید آید:

در زمستان عمرم // خواستم بار دیگر // آتشی بفرورزم  
شمع صد آرزو را // غافل از آنکه باید // پای تا سر بسوزم  
عقده را خون بنوشم // تا نرنجد دل او // شکوه را لب بدوزم  
از دوصد شام تاریک // وای کان صبح روشن // تیره‌تر کرد روزم

گفتیم در وزن دوری گاه در وسط مصراع کمیت کوتاهی اضافه بر ساختار وزن ظاهر می‌شود که عروض سنتی از توجیه آن عاجز است. این ویژگی را عیناً در پاره‌مصراع دوم از آخرین مصراع شعر فوق نیز می‌بینیم. پاره‌مصراع «از دوصد شام تاریک»، در انتهای خود دارای یک کمیت کوتاه اضافه است که جایی در وزن ندارد و وجود آن را تنها با این اصل می‌توان توجیه کرد که قواعد حاکم بر پایان مصراع‌ها، بر پایان پاره‌ها نیز حاکم است. همچنین گفتیم که پایان هر پاره منطبق بر پایان کلمه است، و این ویژگی نیز در شعر فوق به‌وضوح مشاهده می‌شود، به‌طوری‌که هیچ موردی در آن وجود ندارد که نیمی از کلمه در پایان پاره اول، و نیم دیگرش در آغاز پاره بعد باشد. و بالاخره اینکه هر پاره‌مصراع شعر فوق به وزن «فاعلن فاعلن فا» است، یعنی پاره‌مصراع پایانی هر مصراع دارای رکنی مزاحف است، و همین ویژگی مانع از هر رکن‌بندی دیگری جز رکن‌بندی «فاعلن فاعلن فا // فاعلن فاعلن فا // فاعلن فاعلن فا» برای هر مصراع این شعر می‌شود.

به عنوان شاهدهی دیگر به شعر زیر توجه شود که آن هم از سه پاره اما هر پاره به وزن

«مستفعلن مستف» تشکیل شده‌است.

آیینه بگذارم // عطر و گلاب آرم // تا شانه تر سازم  
آب از کجا آرم // از دیدگان بارم // اشکی چو دردانه  
ای سرو بستانم // بنشین به دامانم // مادر به قربانت  
تا بر سر مویت // بر جعد گیسویت // مژگان کنم شانه  
(امیرحسین غلامی، در پناهی، ج ۳: ۸۳)

همچنین به شعر زیر توجه شود که به همان وزن «مستفعلن مستف» سروده شده است و دو پاره در مصراع پایانی اش («آن روزها رفتند» و «اما نخواهد رفت») دارای کمیت کوتاهی اضافه بر ساختمان وزن است:

دیروز یارانم // جام وصال را // لاجره نوشیدند  
 کی می‌رسد روزی // ما را بنوشانی // یک جرعه زان آتش؟  
 روزی به سنگرها // در آتش و ترکش // شوق شهادت بود  
 آن روزها رفتند // اما نخواهد رفت // از یادمان آتش  
 (عبدالحسین رحمتی، در پناهی، ج ۳: ۸۴)

حال به شعر زیر توجه شود که هر مصراع آن از چهار پاره به وزن «مفاعیلُ فاعلن» تشکیل شده است؛ توجه شود که اولاً تمام پاره‌ها در مصراع‌های سوم و چهارم دارای یک کمیت کوتاه اضافه هستند، و ثانیاً جز با دوری دانستن وزن این شعر هیچ توجیه دیگری برای وجود این کمیت‌های کوتاه اضافه نمی‌توان یافت:

سخن سازم ابتدا // به نام یکی خدا // که او ساخت خلق را // طفیل دو مقتدا  
 یکی ختم انبیا // یکی شاه اولیا // یکی هست مصطفی // دگر مرتضی علی  
 که را ایزد دود // پس از مصطفی ستود؟ // که کفر از جهان زدود // به اسلام ره نمود؟  
 در شهر دین گشود // که حق گفت و حق شنود // امام به حق که بود // به حق خدا علی  
 (سلیمی تونی، در پناهی، ج ۵: ۱۹۰)

و شعر زیر که هر مصراعش بنابه تقطیع سنتی از چهار پاره به وزن «مفعولُ مفاعیل» تشکیل شده است؛ جالب است که تمام پاره‌های مصراع نخست دارای یک کمیت اضافه در پایان هستند که تماماً بنابه ویژگی وزن دوری از تقطیع ساقط می‌شوند:

دخت شه لولاک // کز خلقت افلاک // وز آب و گل و خاک // مقصود خدا اوست  
 زاسرار نهانش // و آیات عیانش // وقت جریانش // منشور قضا اوست  
 (یحیی مدرس اصفهانی، در پناهی، ج ۴: ۴۷)

تمام این شواهد به وضوح نشان می‌دهد که پدیده وزنی نسبتاً جدیدی در شعر فارسی به وجود آمده است که نادیده گرفتن آن کار توصیف ساختمان وزن را در شعر فارسی با مشکل مواجه می‌سازد. حال به چند شعر دیگر به وزن دوری چندپاره توجه شود: وزن هر پاره در شعر دوری زیر «مفتعلن مفتع» است:

از سر دیواری // شاخهٔ تاکی را // سر به برون دیدم  
خوشهٔ انگوری // با همه زیبایی // گشته نگون دیدم  
(معینی کرمانشاهی، در پناهی، ج ۵: ۵۹)

وزن هر پاره در شعر دوری زیر «مفعولُ مفاعیلن فع» است:

ساغر شکنند می‌ریزد // شمع<sup>(۲)</sup> از بر من برخیزد // مه‌رت ز دلم نگریزد  
خواهم که تو یارم باشی // شمع شب تارم باشی // هر دم به کنارم باشی  
(بی‌نام، در پناهی، ج ۵: ۶۰)

وزن هر پاره در شعر دوری زیر «فاعلاتن فعلن» است:

ای جوانان وطن // نونهالان وطن // می‌رود جان وطن  
دشمن از چار طرف // گرد ایران زده صف // ای پسرهای خلف  
(اشرف‌الدین گیلانی، در پناهی، ج ۵: ۱۲۸)

وزن هر پاره در شعر دوری زیر «فعلاتن مفاعلن» است:

تو که عزت‌گزیده‌ای // غم دنیا کشیده‌ای // ز طبیعت چه دیده‌ای  
تو که غمگین‌نشسته‌ای // ز جهان دل‌گسسته‌ای // به چه مقصد رسیده‌ای  
(معینی کرمانشاهی، در پناهی، ج ۵: ۵۹)

و وزن هر پاره در شعر دوری زیر «مفاعلتن مف» است:

اگر که نگیری // تو دست دلم را // دگر که بگیرد  
اگر نپذیری // شکسته دلم را // دگر که پذیرد  
(قیصر امین‌پور، در پناهی، ج ۵: ۶۰)

و وزن هر پاره در شعر دوری زیر «مستفعلن مستف» است:

آیینه بگذارم // عطر و گلاب آرم // تا شانه تر سازم  
آب از کجا آرم // از دیدگان بارم // اشکی چو دردانه  
(امیرحسین غلامی، در پناهی، ج ۳: ۸۳)

و وزن هر پاره در شعر دوری زیر «مفعولُ فاعلاتن» است:

من گورِ آفتابم // من سایهٔ حبابم // من نای بی‌صفیرم  
من حرفِ بی‌جوابم // من چیستان خوابم // من شعلهٔ نفیرم  
(حسین سرور، در پناهی، ج ۴: ۳۱)

#### ۴- وزن‌های دوری نامساوی

در میان اشعاری که به وزن‌های دوری سروده شده‌اند، چه دوپاره و چه چندپاره، اشعاری مشاهده شده‌است که طول پاره‌هایشان در هر مصراع مساوی نیست؛ این وزن‌ها را وزن‌های دوری نامساوی می‌نامیم. بدیهی است که در این وزن‌ها نمی‌توان جای پاره‌ها را بدون به هم زدن وزن با هم عوض کرد. در اینجا ابتدا چند شاهد از وزن‌های دوری دوپاره نامساوی عرضه می‌کنیم و بعد با تفصیل بیشتری به وزن دوری چندپاره نامساوی می‌پردازیم.

#### ۴-۱- وزن‌های دوری دوپاره نامساوی

اندازه دو پاره یک وزن دوری غالباً مساوی است، اما مخصوصاً در ترانه‌ها و نوحه‌ها گاهی با اشعاری مواجه می‌شویم که از دو پاره نامساوی تشکیل شده‌اند. به اعتبار کمیت کوتاهی که در پایان پاره نخست اضافه بر ساختار وزن ظاهر می‌شود، می‌توان این قبیل وزن‌ها را دوری دانست. مثلاً شعر زیر به وزن «مستفعلن مستف // مستفعلن مُس» دارای چنین وزنی است:

شد قاسم داماد // در حجله گور  
بر وی مبارک باد // این عشرت و سور  
در حلقه دشمن // با ساز غم رفت  
چشم فلک روشن // زین سور پرشور  
در عرصه میدان // چون غنچه خندان  
وز عشوه جانان // سرمست و مخمور  
(کمپانی اصفهانی، در پناهی، ج ۴: ۲۲۰)

چنان که ملاحظه می‌شود پاره نخست در هر دو مصراع بیت اول در شعر فوق دارای یک کمیت کوتاه اضافی است («داماد» و «باد»). توجه شود که این کمیت کوتاه در بقیه مصراع‌ها وجود ندارد و به همین دلیل نمی‌توان آن را جزئی از وزن کلی شعر به حساب آورد. همچنین نمی‌توان این کمیت کوتاه اضافه را به حساب سیاق دوری در رکن‌های بلند گذاشت، زیرا شعر فارسی اصولاً فاقد رکن‌های شش‌هجایی است (نک. قهرمانی مقبل، ۱۳۹۹)؛ یعنی بهتر است «مستفعلن مستف» را دو رکن، و نه یک رکن شش‌هجایی (مثلاً «مستفعلاتان») در نظر بگیریم.

به عنوان مثالی دیگر از وزن دوری دوپاره نامساوی به شعر زیر با وزن «مستفعلن مستف // مستفعلن مُس» توجه شود:



حُرّ خطاکارم // ای روح ایمان  
 من کوه عصیانم // تو بحر غفران  
 (محمود تازی، در پناهی، ج ۴: ۲۲۰)

برای مثالی دیگر از وزن دوری دوپاره نامساوی، به شعر زیر با وزن «مستفعلتن مستف // مستفعلتن مستفعل» توجه شود:

گیرم که پریدم من // ای شاخه شمشاد از تو // تو سروی و من سایه // مشکل شوم آزاد از تو  
 در گوش تو سنگین است // فریاد که فریاد از من // سنگین‌تر از آن لیکن // گوش تو که فریاد از تو  
 (محمدحسین شهریار، در پناهی، ج ۴: ۱۹)

باز تکرار می‌کنیم که تعداد اشعاری که به این قبیل وزن‌ها سروده شده‌اند در شعر فارسی بسیار اندک است.

#### ۴-۲- وزن‌های دوری چندپاره نامساوی

اما کاربرد وزن‌های دوری چندپاره نامساوی، بسیار بیشتر از وزن‌های دوری دوپاره نامساوی است. مثلاً هر مصراع در شعر زیر مرکب از چهار پاره است که سه پاره نخست آن به وزن «مفاعله مفاعله»، اما پاره چهارم به وزن کوتاه‌تر «مفاعله مفاعله» است:

به زینب‌الکواکب // به سقف لاجوردی // به چشم و دل فزاید // به هر نظر جلا  
 هرآن که شرک آرد // بدو زهی خجالت // که بسته خلقتی را // به خالق افترا  
 هزار شکر و منت // که در خدایی او // نبوده اختلافی // به قول انبیا  
 ز معنی خداییت // فنا شدیم و دیدیم // نه انتهاست او را // نه بوده ابتدا  
 (مطبوع قهفرخی، در پناهی، ج ۵: ۶۴)

توجه شود که پناهی هر مصراع شعر فوق را، احتمالاً بنا بر تفنن شاعر، به صورت دو بیت ضبط کرده‌است، یعنی به شکل زیر:

به زینب‌الکواکب // به سقف لاجوردی  
 به چشم و دل فزاید // به هر نظر جلا  
 هرآنکه شرک آرد // بدو زهی خجالت  
 که بسته خلقتی را // به خالق افترا  
 هزار شکر و منت // که در خدایی او  
 نبوده اختلافی // به قول انبیا

ز معنی خداییت // فنا شدیم و دیدیم

نه انتهاست او را // نه بوده ابتدا

اما چنین ضبطی ما را به بیتی می‌رساند که هر مصراع آن وزنی متفاوت با مصراع دیگر دارد و این خلاف اصول وزن در شعر فارسی است:

مفاعِلن مفاعِلن // مفاعِلن مفاعِل

مفاعِلن مفاعِل // مفاعِلن مفا

بدیهی است که ضبط صحیح این شعر همان است که در ابتدا آوردیم که در آن طول مصراع‌ها مساوی است، یعنی به شکل زیر:

مفاعِلن مفاعِل // مفاعِلن مفاعِل // مفاعِلن مفاعِل // مفاعِلن مفا

مفاعِلن مفاعِل // مفاعِلن مفاعِل // مفاعِلن مفاعِل // مفاعِلن مفا

برای مثالی دیگر به وزن شعر زیر توجه شود که هر مصراع آن از چهار پاره تشکیل شده است که سه پاره نخست به وزن «مفاعِلتن مفا» و پاره چهارم به وزن «مفاعِلتن» است:

اگر تو ندانی // خدای تو داند // که از غمت آمد // چه بر سر من

اگر تو نبودی // برابر چشمم // خیال تو بوده // برابر من

(بیژن ترقی، در پناهی، ج ۵: ۱۱۴)

یا به وزن شعر زیر توجه شود که هر مصراع آن به وزن «مفاعِلن مفاعِل // مفاعِلن مفاعِل» اما پاره چهارم آن به وزن «مفاعِلن مفا» است:

هزار شکر و منت // که در خدایی او // نبوده اختلافی // به قول انبیا

ز معنی خداییت // فنا شدیم و دیدیم // نه انتهاست او را // نه بوده ابتدا

(مطبوع قهفرخی، در پناهی، ج ۵: ۶۴)

توجه شود که در اینجا نیز دو پاره آغازین در مصراع دوم داری یک کمیت کوتاه اضافه هستند («ز معنی خداییت» و «فنا شدیم و دیدیم»). برای این کمیت‌های کوتاه اضافه هم هیچ توجیه دیگری نمی‌توان یافت مگر دوری دانستن سیاق کلی وزن.

به دو شاهد زیر نیز توجه شود که هر دو به وزن دوری نامساوی «فاعلیاتن // فاعلیاتن // فاعلیاتن» سروده شده‌اند:

تا سحر ماندم // ژاله افشاندم // او نیامد  
 با نوای دل // نغمه‌ها خواندم // او نیامد  
 (ایرج تیمورتاش، در پناهی، ج ۵: ۴۲)

عمه‌جان آیی // از سفر اکنون // خیر مقدم  
 عمه‌جان گویا // در برت بینم // رخت ماتم  
 (حسین‌علی صفایی، در پناهی، ج ۵: ۴۲)

دو شاهد زیر نیز به وزن دوری نامساوی «مفاعلتن مف // مفاعلتن مف // مفاعلتن» سروده شده‌اند:

چو لاله پَرپر // خزان شده دیگر // جوانی من  
 چو غنچه خموشم // که بر لبم از غم // شکسته سخن  
 (بهادر یگانه، در پناهی، ج ۵: ۲۰)

کجا بگریزم // که غم نشناسد // نشان مرا  
 چه چاره کنم // تا زمانه بفهمد // زبان مرا  
 (معینی کرمانشاهی، در پناهی، ج ۵: ۲۰)

دو شاهد زیر نیز هر دو به وزن دوری نامساوی «فاعلتن فاعل // فاعلتن فاعل // فاعلتن فا» سروده شده‌اند:

تا سحر ماندم // ژاله افشاندم // او نیامد  
 با نوای دل // نغمه‌ها خواندم // او نیامد  
 (ایرج تیمورتاش، در پناهی، ج ۵: ۴۲)

عمه‌جان آیی // از سفر اکنون // خیر مقدم  
 عمه‌جان گویا // در برت بینم // رخت ماتم  
 (حسین‌علی صفایی، در پناهی، ج ۵: ۴۲)

##### ۵- نتیجه‌گیری

وزن شعر فارسی دارای ویژگی‌های خاصی است که مشابه آنها در وزن شعر عربی یافت نمی‌شود، و به همین دلیل عروض سنتی که همواره تحت تأثیر عروض عربی بوده، هیچ‌گاه از توصیف صحیح و کامل چنین مواردی برنیامده است. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها به مقوله

«وزن‌های دوری» مربوط می‌شود. نجفی به تفصیل دربارهٔ وزن‌های دوری سخن گفته و ویژگی‌های این وزن را در شعر فارسی بررسی کرده‌است، اما او در این میان بیش از هر چیز به وزن‌های دوری موجود در شعرهای قدیم توجه داشته و به سروده‌های جدیدتر شاعران، خاصه ترانه‌سرایان و نوحه‌پردازان معاصر توجه چندانی نداشته‌است. با بررسی آثار این دسته از شاعران به اشعاری برمی‌خوریم که تمامی ویژگی‌های وزن‌های دوری را دارند جز اینکه هر مصراع آنها نه از دو نیم‌مصراع، بلکه بیش از دو پاره‌مصراع (hemistich) تشکیل شده‌است. این قبیل وزن‌ها را وزن‌های دوری چندپاره نامیدیم و آنها را به دو دستهٔ وزن‌های مساوی و وزن‌های نامساوی تقسیم کردیم. مصراع‌ها در این هر دو گونه وزن، بیش از دو پارهٔ وزنی است، اما این پاره‌ها در وزن‌های دوری مساوی، عیناً همانندند، درحالی‌که در وزن‌های نامساوی تغییراتی جزئی با هم دارند. برای بررسی این قبیل وزن‌ها ابتدا تمام آنها را از پیکرهٔ مفصل پناهی (۱۳۹۵-۱۳۹۹) استخراج کرده‌ایم و سپس ویژگی‌های آنها را شرح دادیم. جالب است که حتی یک نمونه از شواهد یافت‌شده از مجموعهٔ پناهی، متعلق به اشعار قدیم فارسی نیستند و همه نهایتاً در صد سال اخیر سروده شده‌اند. این امر نشان می‌دهد که شاعران فارسی‌سرا، برای گسترش شیوه‌های بیان خود در چهارچوب وزن‌های عروضی در این صد سال اخیر، دست به تجارب گوناگون زده و راه‌های متعددی آزموده‌اند. به نظر نگارنده این قبیل وزن‌ها بیش از آنکه تحت تأثیر ریتم‌های زبانی رایج در شعر فارسی بوده باشد، براساس ریتم‌های گوناگون موسیقی شکل گرفته‌است. این نکتهٔ اخیر در مقالهٔ حاضر بررسی نشده‌است و شایسته است که پژوهشگران آشنا با وزن شعر عروضی فارسی و ریتم‌های موسیقی ایران (نک. آدرسینا، ۱۳۹۶؛ دهلوی، ۱۳۷۹) بدان پردازند.

### پی‌نوشت

۱. یعنی رکن ناقص «مفتعل» مزاحفِ رکنِ سالم «مفتعلن» است.
۲. توجه شود که شاعر در اینجا برخلاف قاعدهٔ وزن در فارسی، عین را به ضرورت وزن از تقطیع ساقط کرده‌است.

## منابع

- آذرسینا، م. ۱۳۹۶. شعر؟ یا موسیقی؟ (تننای شعر سپید)، تهران: سروش.
- پرهیزی، ع. ۱۳۸۰. عروض نوین فارسی، تهران: ققنوس.
- پناهی، غ. ۱۳۹۵-۱۳۹۹، آشنایی با اوزان عروضی، تهران: پیام، ۵ جلد.
- دهلوی، ح. ۱۳۷۹. پیوند شعر و موسیقی آوازی، تهران: مؤسسه فرهنگی-هنری ماهور.
- قهرمانی مقبل، ع. ۱۳۹۹. «رکن‌های پنج‌هجایی در عروض عربی و فارسی و کارکرد آنها در عروض فارسی»، زبان فارسی و گویش‌های ایرانی، ۵ (۱): ۴۵-۶۵.
- نجفی، ا. ۱۳۹۳. «وزن دوری، مشکلی که عروض قدیم آن را نادیده گرفته‌است»، نامه فرهنگستان، ۱۳ (۴): ۶-۱۸.
- نجفی، ا. ۱۳۹۵. وزن شعر فارسی (درس‌نامه)، به همت امید طبیب‌زاده، تهران: نیلوفر.
- نجفی، ا. ۱۳۹۷. طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، به همت امید طبیب‌زاده، تهران: نیلوفر.
- Elwell-Sutton. 1976. *The Persian Metres*, Cambridge.

## Persian Cyclic Meters with More than Two Hemistiches

Omid Tabibzadeh<sup>1</sup>

Received: 2021/08/18

Accepted: 2021/10/10

### Abstract

Cyclic meters in Persian Poetry are generally consisted of two half-lines or hemistiches, but this paper deals with cyclic meters consisting of more than two hemistiches. This paper deals with such poly-hemistich Persian meters which totally belong to contemporary poets. These meters have been introduced and analyzed based on numerous evidences taken from Panahi's corpus (2016-2020).

**Keywords:** Cyclic Meters, Cyclic Poli-hemistich Meters, Cyclic Meters with equal hemistiches, Cyclic Meters with unequal hemistiches

### 1. Introduction

This paper, based on Abolhassan Najafi (2014; 2016; 2015), dealt with a kind of cyclic meter in Persian poetry which has more than two hemistiches. Cyclic meters are generally consisted of two just half-lines or hemistiches, but this paper deals with cyclic meters consisting of more than two hemistiches. Such poly-hemistich Persian meters totally belonging to contemporary poets are analyzed here. These meters have been introduced based on numerous evidences taken from Panahi's corpus (2016- 2020).

### 2. Theoretical Framework

Cyclic meters are usually defined as meters bearing just two hemistiches or half-lines, and these two half-lines are metrically and even syntactically so similar that may be changed easily.

---

1. Professor of General Linguistics, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran  
\* Email: otabibzadeh@yahoo.com

The other important metrical feature of cyclic meter is the fact that the final quantity in each half-line may be optionally light (or short), heavy (long) or super-heavy. That is, the rule applying on the final quantity of each Persian line is also applied on the final syllable of each half-line in lines with cyclic meter.

### 3. Methodology

It is worth mentioning that cyclic meter is a metrical phenomenon observed in Persian quantitative poetry but not in Arabic meter. There is, however, another kind of cyclic meter in Persian which has not been considered yet in Persian metrical studies. This meter is just like the traditional cyclic one but it is consisted of more than two hemistiches.

### 4. Result and Discussion

Each hemistich of these lines is syntactically and metrically independent so that one can replace them with each other easily. In this paper, based on the five-volume book by Gholamreza Panahi (2016-2020), such poly-hemistich Persian meters which totally belong to contemporary poets, have been introduced and analyzed. Based on numerous evidences taken from Panahi's corpus, these meters have been divided into two varieties:

- 1) A major group with equal hemistiches- for example three hemistiches and each hemistich is *mostaf'elon fa'ulon*.
- 2) A minor group with different hemistiches- for example three hemistiches metered as *mafa'elon mafa'el*, and one final hemistich metered as *mafa'elon mafa*.

### 5. Conclusions and Suggestions

Cyclic meters are generally consisted of two half-lines or hemistiches, but this paper dealt with cyclic meters consisting of more than two hemistiches. In this paper, based on the five-volume book by Gholamreza Panahi (2016-2020), such Persian meters totally belonging to contemporary poets, have been introduced and analyzed. These meters have been divided into two varieties: 1) A major group with equal hemistiches; and 2) A minor group with different hemistiches.

### Select Bibliography

- Azarsina, M. 2017. *Poetry? Or Music?*, Tehran, Soroush. [in Persian]  
Dehlavi, H. 2000. *The Relation between, Poetry and Vokal Music*, Tehran, Mahour. [in Persian]

- Elwell-Sutton, 1976. *The Persian Meters*, Cambridge.
- Gharamani Moghbel, A. A. 2020. "Five Syllabic Feet in Persian and Arabic Prosody, and their Application in Persian Prosody", In: *Persian Language and Iranian Dialects*, Vol. 5, N. 9, 45-65. [in Persian]
- Nadjafi, A. 2014. "Cyclic Meter, a problem unobserved by Traditional Prosody", *Name-je Farhnagestan*, Vol. 13: N. 52, 6-18. [in Persian].
- Nadjafi, A. 2016. *Persian Prosody (A Textbook)*, ed. By Omid Tabibzadeh, Tehran, Niloufar. [in Persian]
- Nadjafi, A. 2019. *The Classification of Persian Prosody*, ed. By Omid Tabibzadeh, Tehran, Niloufar. [in Persian]
- Panahi, G. 2016-2020. *An Introduction to Quantitative Meter*, Tehran, Payam, 5 Vol. [in Persian]
- Parhizi, A. 2001. *Modern Persian Prosody*, Tehran, Ghoghhus. [in Persian]